



## بازیابی ساختار فضایی و طرح کاشت باغ سالار جنگ شیراز بر اساس خاطرات ترنس اودانل

علی اسدپور<sup>\*</sup>

۱- استادیار دانشگاه هنر شیراز، فارس، ایران

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۸/۱۷، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۰۱/۲۷)

### چکیده

دانسته‌های کنونی از میراث باغ‌سازی شیراز به باغ‌های نامدار و برجسته دیوانی و حکومتی محدود شده و داده‌های اندکی از دیگر باغ‌های آن برجای مانده است. از این میان، باغ سالار جنگ (مینوی سالار) از ناصرالدین کویال شیرازی نمونه درخور توجه و از یادرفته‌ای است که ارزش بررسی و پژوهش دارد. هدف این پژوهش بازیابی این باغ بر پایه خاطرات ترنس اودانل است که نزدیک به ۱۰ سال (۴۹-۱۳۳۸ خورشیدی) را در آن گذرانده است. توصیفات وی شرحی از طرح کاشت، در باغ روزگار قاجار و پهلوی در اختیار می‌گذارد. پژوهش کنونی گامی نخست در شناخت مجموعه باغ‌های تاریخی منطقه قصرالدشت (بردی) است که تاکنون بدان پرداخته نشده است. بر این اساس شناخت ویژگی‌های هندسی - فضایی، بازخوانی طرح کاشت و فهم شیوه آبیاری باغ مورد توجه بوده است. افزون بر این به باغ به مثابه مکانی برای رخدادهای گوناگون زندگی فردی - اجتماعی نیز نگریسته شده است. روش پژوهش، ترکیبی شامل راهبرد تفسیری - تاریخی و نمونه موردی است که در رویکردی استنتاجی و تحلیلی پیش می‌رود. یافته‌های پژوهش ضمن بخش‌بندی مراحل توسعه و ویرانی باغ به چهار پرده، نشان می‌دهند که باغ، حاصل آمیختگی دو دسته از دوگانگی‌های الف) مفهومی و ب) کارکردی است؛ ماهیت پارادوکس گونه باغ در تضاد میان مالکین و ساکنین باغ، تضاد میان شخصیت ادبی بنیان‌گذار آن و برخی عادات و خصوصیات او و سرانجام تمایز میان باغ و مزرعه قابل‌شناسایی است. همچنین باغ حاصل ترکیب دو ساختار باغ‌های حکومتی و الگوی باغ‌های میوه است که از دو محور عمود برهم شکل یافته و برخلاف رسم معمول، کوشک بر تقاطع دو محور طولی و عرضی مکان‌یابی نگردیده است. همه این‌ها سرانجام سبب می‌گردد گونه‌ای باغ در حومه شهر از مکانی برای تفریح و خوش گذرانی به باغی، با ارزش تولیدی تبدیل شود. بدین‌سان باغ سالار جنگ به سامانه‌ای یکپارچه از زیست اجتماعی، اقتصادی و طبیعی بدل می‌گردد که نشان از تیدگی زیبایی‌شناسی باغ با جنبه کارکردی و تولیدی آن دارد.

**کلید واژه‌ها:** ناصرالدین کویال شیرازی، ترنس اودانل، باغ مینوی سالار، باغ حومه شهری، باغ میوه

\* Email: asadpour@shirazartu.ac.ir

## ۱- مقدمه

شناخت جامعه علمی از گوناگونی باغ‌های تاریخی در شیراز به تعدادی باغ نام‌آور و سرشناس همچون باغ‌های ارم، عفیف‌آباد، دلگشا، نظر، جهان‌نما و مانند آن محدود شده است (ن.ک خوانساری و دیگران، ۱۳۸۳؛ آریانپور، ۱۳۶۵؛ ویلبر، ۱۳۸۳). به عبارت دیگر ارزش و نقش تاریخی شیراز در شکل‌گیری تجربه باغ ایرانی به روایتی ناقص و گزینشی فروکاسته شده که به دوره‌های تاریخی کهن‌تر و عمارت‌های فریبده تأکید داشته و دیگر باغ‌ها را نادیده گرفته است. دلایل این امر گوناگون‌اند؛ از این میان می‌توان به از بین رفتن عرصه باغ‌ها در طول زمان در پی گسترش افقی شهر و احداث زیرساخت‌های شهری، نبود یا ضعف شواهد باستان‌شناختی کافی برای بازیابی طرح باغ، ارزش معماری و هنری اندک و در برخی موارد متفاوت عمارت‌ها و کوشک‌های برجای مانده به نسبت دیگر نمونه‌های شاخص و سرانجام نقش اجتماعی، تاریخی و حکومتی ضعیف برخی از این باغ‌ها در گذر زمان اشاره نمود. نام بسیاری از این باغ‌ها در کتاب‌های تاریخی آورده شده با این حال اطلاعاتی از چند و چون آن‌ها در دست نیست؛ به عنوان نمونه باغ‌های صفا، نشاط، صاحب دیوان، رحمت‌آباد، ناری و بعثت نمونه‌هایی هستند که نام خود را به معابر و محلات شهر داده‌اند، ولی به سختی می‌توان بقایای آن‌ها را بازجست. از دیگر چالش‌های پیش‌روی در مطالعه باغ ایرانی کمبود اطلاعات قابل اعتنا پیرامون طرح کاشت در باغ ایرانی به طور کلی و باغ‌های شیراز به طور ویژه است. هرچند هندسه فضایی باغ گونه‌ای نظم در کاشت را طلب می‌نماید ولی طرح کاشت بویژه در باغ‌های انتهایی دوره قاجار و اوایل پهلوی یا باغ‌هایی که دارای

نقش حکومتی و دیوانی ضعیف بوده‌اند، چندان پرداخته و شناخته شده نیستند.

پژوهش کنونی می‌کوشد با استفاده از شرح خاطرات ترنس اودانل، هندسه و طرح کاشت باغ «سالار جنگ» یا «مینوی سالار» را بازنمایی نموده و افزون بر شناخت طرح باغ و طرح کاشت و آبیاری آن، به باغ به‌مثابه مکانی برای رخدادهای گوناگون زندگی فردی- اجتماعی نیز بنگرد. اهمیت پرداختن به این باغ نه تنها به سبب بازه تاریخی قاجاری- پهلوی آن، بلکه بیشتر به دلیل سرگذشت عجیب، متضاد و چندوجهی باغ است که آن را از محلی ساده برای سرگرمی و خوش‌گذرانی به جایگاهی پیچیده و چند کارکردی بدل ساخته و آن را به ظرفی تبدیل نموده که پیوند انسان ایرانی با محیط خود را بازمی‌تاباند و می‌تواند در عین حال نمونه‌ای از باغ‌های تولیدی و دامداری در حومه‌های شهری باشد.

## ۲- پرسش‌های پژوهش

این پژوهش در پی پاسخ به پرسش‌های زیر است: ۱- طرح باغ سالار جنگ چه بوده و نسبت کوشک و باغ در آن چگونه بوده است؟ ۲- طرح کاشت و مسیرهای آبرسانی در باغ چیستند؟ ۳- چه نوع رخدادهای، وقایع اجتماعی و رویدادهای روزمره‌ای در این باغ رخ داده است؟

## ۳- پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهشی برای بازیابی باغ‌های تاریخی محدوده قصرالدشت شیراز به انجام نرسیده است. دو نویسنده برجسته روزگار قاجار یعنی حاج میرزا حسن حسینی فسایی در کتاب «فارس‌نامه ناصری» و فرصت الدوله شیرازی در کتاب «آثار عجم»

را از نخستین قرون اسلامی تا عصر صفویه بر اساس متون و اسناد تاریخی روایت کرده است (جمال‌الدین، ۱۳۹۶). کار ارزشمند دیگر در این زمینه، کتاب «منظر باغ؛ سیر تحول، نقش شهری و اصول شکل‌گیری» است که آن نیز مبتنی بر منابع نوشتاری، تصاویر و نقشه‌های ترسیم‌شده به دست جهانگردان در پی الگویی برای شکل‌گیری و توسعه باغ‌ها در ایران بوده است. این کتاب به سده‌های دهم و یازدهم هجری و محدود به شهرهای هرات، تبریز، قزوین و اصفهان به ویژگی‌های مشترک موجود در شکل‌گیری منظر باغ پرداخته است (جیحانی و رضائی‌پور، ۱۳۹۶).

بازسازی نقشه باغ شمال تبریز بر اساس اسناد و مدارک تاریخی دوره قاجار (بانی‌مسعود، ۱۳۸۶) و یا بازیابی ساختار و شکل باغ فردوس شمیران بر پایه عکس‌های تاریخی و پیمایش میدانی (جیحانی و منصور، ۱۳۹۱) نمونه‌هایی از بازیابی باغ‌های تاریخی از میان‌رفته بر مبنای مدارک ترسیمی و تصویری هستند. یافتن نام و شرح باغ‌های خراسان در تاریخ بیهقی (قیومی بیدهندی، ۱۳۸۷) و یا تصویر کاخ و باغ شاه موبد در مثنوی ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی (جیحانی، ۱۳۹۴) و سرانجام بازخوانی حضور باغ در خیابان قزوین بر پایه اشعار عبدی بیگ و دیگر مکتوبات آن روزگار (آل‌هاشمی، ۱۳۹۱) را نیز می‌توان پژوهش‌هایی بر اساس متون نوشتاری تلقی نمود که به سرانجام رسیده‌اند. از میان باغ‌های تاریخی شیراز، باغ تخت تنها نمونه‌ای است که پژوهش‌های متعددی پیرامون آن انجام شده است. حمیدرضا خوئی و محمدرضا گراوندپور (۱۳۸۸) این باغ را با محوریت عکس‌های قاجاری بازنمایی نمودند و هندسه و طرح آن را بازجستند و یا در نوشتاری دیگر توصیف کردند (خوئی و

شمار باغ‌های این محدوده را برابر با «چهارصد و چهل و اند» برشمرده‌اند که از آب «نهر اعظم و چشمه جوشک و قنات حاجی شمس و دیگر قنات»<sup>۱</sup> سیراب می‌شده‌اند (حسینی فسایی، ۱۳۸۲؛ فرصت حسینی شیرازی، ۱۳۷۷). این توصیفات نشان از رونق باغ‌های قاجاری در این بخش از حومه شهر شیراز آن روزگاران دارد که بخش زیادی از آن در سه دهه گذشته نابود شده‌اند. به‌طور کلی می‌توان باغ‌های برون‌شهری شیراز را در گذشته به دو بخش الف) باغ‌های شکل‌گرفته پیرامون بافت تاریخی شهر شیراز (مانند باغ‌های تخت، ارم، دلگشا، عقیف آباد، ابوالفتح‌خانی، نو، جهان‌نما و ...) و ب) باغ‌های منطقه قصرالدشت (باغ نوابی، سالار جنگ و ...) بخش نمود که همگی متأثر از عنوان مسجدی<sup>۲</sup> به همین نام (بردی) قابل شناسایی بودند. باغ‌های دسته نخست بیشتر کارکردی دیوانی - حکومتی داشته‌اند، در حالی که دسته دوم آن‌چنان که در فارس‌نامه ناصری نیز آمده «برای جلب منفعت» (حسینی فسایی، ۱۳۸۲: ۱۶۸) ساخته شده‌اند. از این‌روی نوشتار کنونی در مطالعات باغ‌سازی در منطقه قصرالدشت پیشینه مشخص و در خور توجهی ندارد.

از سوی دیگر، تاکنون به‌جز چند نقد ادبی پیرامون ارزش ادبی و هنری کتاب باغ سالار جنگ (ر.ک اسپراک‌من، ۱۳۶۸؛ باستانی پاریزی، ۱۳۸۴)، نوشته دیگری درباره باغ و ویژگی‌های معماری و منظر آن نگاشته نشده و تلاشی برای بازیابی طرح آن به انجام نرسیده است. باین‌حال کوشش برای بازیابی طرح باغ‌های تاریخی ایران بر پایه نوشته‌های تاریخی، ادبی، سفرنامه‌ها و مانند آن در سال‌های گذشته کم نیستند. از تازه‌ترین کتاب‌های موجود در این زمینه می‌توان به «تاریخ باغ و باغ‌سازی در ایران» اشاره نمود که باغ ایرانی

بدین ترتیب در گام نخست اطلاعات موجود در این متن طبقه‌بندی شده و در دسته‌هایی شامل مکان‌یابی، هندسه و طرح کلی باغ، طرح کاشت و آبرسانی و در نهایت رویدادها و رخداد‌های محقق شده در باغ تقسیم شدند. در گام دوم، ضمن مصاحبه با پنج نفر از اهالی کهنسال محدوده باغ که اطلاعاتی در خصوص مکان باغ داشتند، حدود اولیه باغ با مشاهده و پیمایش میدانی مشخص گردید. در گام سوم، ضمن بررسی و تفسیر تنها عکس هوایی موجود از سال ۱۳۴۹ و دیگر تصاویر ماهواره‌ای امکان انطباق داده‌های به دست آمده از مراحل پیشین بر روی نقشه‌ای واحد ممکن گردید. تمامی این مدارک در فرآیندی استنتاجی و انتقادی به روایتی منسجم منتهی می‌شوند. یافته‌های مشترک به نحوی در کنار یکدیگر قرار گرفتند که آن دسته از داده‌هایی که فراوانی بیشتری دارند و در دیگر مراحل به نحوی مورد اشاره هستند، برجسته شده و مورد پشتیبانی واقع شوند. در این بررسی «شناخت»، «سازمان‌دهی» و «ارزیابی» مدارک و یافته‌ها که مسیری پیاپی و به هم پیوسته داشته است؛ در جای خود مورد توجه بوده‌اند.

#### ۵- ماهیت خاطرات اودانل و ارزش نوشته‌های آن

ترنس اودانل (۲۰۰۱-۱۹۲۴ م.) در خانواده‌ای کشاورز در پرتلند آمریکا زاده شد و در همان کشور نیز درگذشت. وی دانش‌آموخته فلسفه و زبان انگلیسی از دانشگاه شیکاگو و درس‌خوانده تاریخ در ترینیتی کالج دانشگاه دابلین در ایرلند بود. از مجموع ۲۵ سالی که به مسافرت گذراند، ۱۴ سال را در ایران به سر برد. او در سال ۱۹۵۷ میلادی (۱۳۳۶ خورشیدی) به ایران آمد؛ ابتدا در انجمن ایران و آمریکا به تدریس زبان انگلیسی

گراوندپور، ۱۳۸۹). مقایسه تطبیقی باغ تخت با باغ قصر قاجار (اعتمادی‌پور و بهرامیان، ۱۳۹۱) و یا شرح دقیق‌تر هندسه آن با تکیه بر مطالعات پیشین و مقایسه آن با عکس‌های هوایی موجود (زندیه و عرب‌سلغار، ۱۳۹۱) نمونه‌های پرداخته شده دیگر در این زمینه هستند. باین حال استفاده از نوشته‌های نویسندگان معاصر برای بازیابی طرح باغ‌های از میان‌رفته در شیراز نمونه مشابهی ندارد یا دستکم نویسنده در این زمینه کاری را نیافته است.

#### ۴- روش پژوهش

به لحاظ روش‌شناسی، پژوهش کنونی از راهبرد ترکیبی شامل «تفسیری-تاریخی» و «مورد پژوهی» بهره می‌جوید (گروت و وانگ، ۱۳۸۴). در این راستا، باغ همچون پدیده‌ای دیده شده است که در زمینه‌ای پیچیده نیازمند جهت‌گیری تبیینی-روایتی و کل‌نگرانه است. از میان انواع شواهد «تعیین‌گر»، «زمینه‌ای»، «استنباطی» و «خاطره‌ای» (همان، ۱۳۸۴: ۱۵۴-۱۵۹) از سه مورد آخر بیشتر استفاده شده است. «مورد پژوهی در اینجا به معنی سنجش مستند و سامانمند فرآیندها، تصمیم‌گیری‌ها و نتایج یک پروژه» است که از روش‌هایی مانند روش‌های تجربی، نیمه تجربی، داستان‌سرایی و ترکیبی بهره می‌برد (Francis, 2001: 16). «نمونه‌های موردی داستان‌هایی واجد پیام هستند» (Dumez, 2015: 46) که تفسیر می‌شوند و تفسیر آنان به معنی «ایجاد پیوند میان اجراء خرد است؛ پیوند میان جزئیات، موقعیت‌ها، سکانس‌ها و زمینه‌های یک رخداد معین» (Stake, 1994: 32).

از آنجا که داده‌های مکتوب قابل اعتنایی در نوشتارهای تاریخی در دسترس نیست، متن خاطرات ترنس اودانل منبع کلیدی است.

دارد.<sup>۴</sup> اودانل گزارش کوتاهی نیز راجع به نارنجستان قوام شیراز به نام «نارنجستان؛ مختصری از تاریخ و و تفسیری از خانه» نگاشته که توسط موسسه آسیایی وابسته به دانشگاه شیراز آن روزگار منتشر شده است.

### ۶- وجه تسمیه و بانی نخستین باغ

«سالار جنگ» لقبی است که به ناصرالدین کوپال شیرازی، پیشکار میرزا حبیب‌الله خان قوام‌الملک به سبب دلآوری و رشادتی که به‌عنوان فرمانده قشون داشته اعطا شده است (معین، ۱۳۹۱). نسبت وی به امام‌قلی‌خان، والی فارس در زمان صفویان بازمی‌گردد. او در شیراز و به سال ۱۲۶۲ خورشیدی زاده شد و زبان انگلیسی را در شیراز و هندوستان آموخت. «وی از خانواده بزرگ تجار ایرانی در هند بود که با ثروت بسیار به دعوت محمد شاه [قاجار] به ایران آمدند... در سفری که عده بسیاری از اهالی و مخصوصاً از ارسنجان که به سوی مکه رهسپار شده بودند، گرفتار دزدان صحرایی و وحشی عرب در صحرای بی‌آب و آبادی حجاز شده و همه چیز خود را از کف داده بودند و مشرف به هلاکت، در این موقع کاروان حاج میرزا نورالدین<sup>۵</sup> همه آنان را که گویا در حدود شصت - هفتاد نفر بودند با کاروان خود به مکه می‌برد و از آنان پذیرایی می‌کند و در پایان آنان را با جهاز شخصی خود با سوغات و کرایه از بوشهر تا شیراز و ارسنجان و مخارج راه، پذیرایی می‌دهد».<sup>۶</sup>

افزون بر زندگی سیاسی و دیوانی، سالار جنگ زندگی ادبی درخوری نیز داشت؛ ریاست انجمن ادبی فارس با او بود که تا ۱۳۱۴ خورشیدی هنوز ادامه داشت، کتابخانه بزرگی داشت و به سبک خراسانی شعر می‌گفت. بدن وی پس از مرگش در

پرداخت، ۷ سال را در کانون فرهنگی اداره اطلاعات آمریکا در اصفهان بود و سال‌ها در دانشگاه‌های اصفهان و شیراز زبان انگلیسی تدریس می‌نمود (Hicks, 2001). اودانل از اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی (۱۳۳۸ خورشیدی) در باغ سالار جنگ در نزدیکی شیراز آن روزگار زندگی کرد و حدود یک دهه در آن به سر برد تا اینکه در سال ۱۹۷۱ (۱۳۴۹ خورشیدی) که صاحب باغ برای ویلاسازی تصمیم به تخریب باغ گرفت، مجبور به ترک آن گردید.

وی خاطرات خود را به طور روزانه می‌نوشت و یادداشت‌های خود از این باغ را با نام «باغ سالار جنگ؛ خاطرات ایران» به سال ۱۹۸۰ منتشر نمود. کمال فهیم این کتاب را در ۱۳۸۴ خورشیدی به فارسی برگردان کرد. فهیم درباره کتاب و در صفحات نخستین چاپ فارسی آن از قول اودانل و شرح پشت جلد کتاب اصلی می‌نویسد که وی گزارش‌های روزانه‌ای حدود هشت هزار صفحه داشت و در پاسخ به اعتقاد ایرانیان و روس‌ها که او را به کار اطلاعاتی متهم می‌نمودند، خود را کارفرمای خود می‌نامید (اودانل، ۱۳۸۴: ۱۷). به هر حال اودانل مورخ، محقق و داستان‌سرایی ایران دوست بود؛ باستانی‌پاریزی کتاب باغ سالار جنگ را دلپذیر و با قلمی توانا می‌داند که متن زندگی ایرانی را کاویده و واقع‌بینانه نگاشته شده است (باستانی‌پاریزی، ۱۳۸۴). به گفته پاریزی، اودانل به لهجه شیرازی و اصفهانی آشنایی کامل داشت و با آن صحبت می‌نمود. همچنین مردی تیزبین، دقیق، کنجکاو و صلح طلب بود. وی افزون بر کتاب یاد شده، کتابی نیز به نام «هفت سایه خاطره: داستان‌های ایران قدیم» (O'Donnell, 1999) و مقاله‌ای نیز به نام «صوفیان و تصوف»<sup>۳</sup> و نوشته‌هایی پیرامون تاریخ و طبیعت زادگاهش (اورگون)

آغازین خود یعنی به باغ منتهی می‌گردد. اگر از داده‌های مردم‌شناسی، فرهنگی و آداب‌ورسوم مردم محلی و ایرانیان آن زمان که در متن به‌خوبی بدان اشاره شده چشم‌پوشی گردد، متن کتاب را می‌توان آن‌چنان‌که دیک دیویس در پیشگفتار چاپ دوم کتاب به سال ۲۰۰۳ بدان اشاره می‌کند «دربارهٔ سرسختانه ماندن در یک مکان... زلال، فاقد حشو و زواید و به نحو حیرت‌آوری خاطره‌انگیز» دانست (اودانل، ۱۳۸۴: ۲۴) که در آن، باغ کانون همهٔ روایت‌ها آن است.

### ۷-۱- سرگذشت باغ

شرح گذشته، حال و فرجام باغ را در خاطرات اودانل می‌توان به چهار پردهٔ کلی بخش نمود؛ پردهٔ نخست را باید روزگار شکل‌گیری (تا حدود ۱۳۱۸ هـ ش) نامید، پردهٔ دوم دوران فرسایش (۱۳۳۸-۱۳۱۸ هـ ش) و پردهٔ سوم دوران بالندگی (۱۳۴۹-۱۳۳۸ هـ ش) است و پردهٔ واپسین را باید روزگار نابودی (۱۳۴۹ تاکنون) باغ دانست. متن کتاب پیرامون دوران فرسایش و نابودی باغ داده‌های بسیار اندکی دارد. شاید این امر به دلیل اندوهی باشد که نویسنده به‌عنوان انگیزهٔ نگارش کتاب (به سبب نابودی باغ) نیز برشمرده شده است.

### الف) پردهٔ نخست: شکل‌گیری

گزارشی از چندوچون باغ تا پیش از ناصرالدین کوپال شیرازی در دست نیست. با این حال می‌توان تصور نمود که باغ پیش‌تر موجود بوده ولی عمارت شاخصی نداشته و چه‌بسا بی‌بهره از هویت قابل‌اعتنایی نیز بوده باشد. بررسی عکس‌هایی موجود به سال ۱۳۴۹ از محدودهٔ باغ و تحلیل ساختار گذرگاه‌ها و هندسهٔ باغ‌ها و مزارع موجود در محدودهٔ باغ، نشان می‌دهد که احتمالاً باغ در

تهران به سال ۱۳۲۵ به شیراز منتقل و در همسایگی آرامگاه حافظ در یکی از اتاق‌های غربی صحن شمالی به خاک سپرده شد (بهروزی، ۱۳۵۴: ۷۶) و دیوان اشعارش نیز به سال ۱۳۵۷ در همین شهر چاپ گشت (دانش‌پژوه، ۱۳۷۷). همین طبع ادبی، او را بر آن داشت که آن انجمن ادبی را در حدود ۱۳۰۰ خورشیدی پایه‌ریزی کند و باغ خود را به‌عنوان محل تشکیل نشست‌های هفتگی آن به این کار اختصاص دهد. این باغ به «باغ مینوی سالار» نیز مشهور است که در محلهٔ مسجد بردی و بالاتر از باغ نوابی قرار داشته است (کمالی سروستانی، ۱۳۸۴: ۷۹). باغ‌های زیاد آباد و علی‌آباد در توابع ارسنجان دیگر باغ‌های احداث‌شده به دست او در فارس هستند.<sup>۷</sup>

### ۷-۲ باغ سالار جنگ در خاطرات تونس

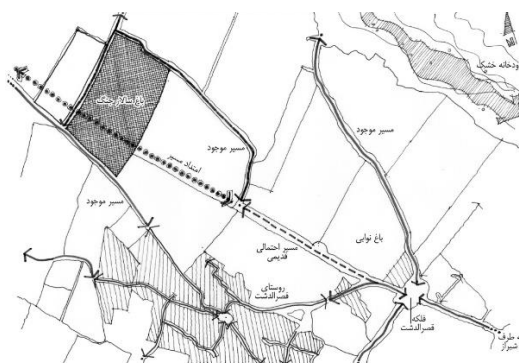
#### اودانل

برای اینکه بتوان به درک درستی از شرح باغ در کتاب دست یافت، لازم است که در ابتدا ساختار کتاب را تا حدی بازشناخت. کتاب باغ سالار جنگ در هفت دفتر ساماندهی شده است. هرچند بیشتر نام‌های افراد در کتاب به گواهی نویسنده، ساختگی هستند، ولی تیزیابی در ذکر رویدادها و شرح مکان‌ها در آن لحاظ شده است. کتاب سیری تاریخی داشته و قبل از اینکه به دفتر نخست وارد شود، شرحی از باغ و ویژگی‌های آن (در بخش سرآغاز) و توضیحی پیرامون سرایدار باغ در بخشی به همین نام دارد. در این دو بخش تصویری از مکان رخداد خاطرات کتاب برای خواننده فراهم آمده است. باغ، کانون و مرکز تمام داستان است به همین سبب به‌سختی می‌توان آن را یک سفرنامه دانست؛ چراکه هر سفری که در جریان خاطرات نقل می‌شود سرانجام به نقطهٔ

با گچ کاری و سفیدکاری با طرح انار بوده است. گرد بام را جان‌پناهی مشبک شکل می‌داده به گونه‌ای که گویی آبادی قصرالدشت و پیرامون آن را نگهداری می‌نموده است (همان: ۴۰). در سرداب عمارت غل و زنجیرهایی به دیوار متصل بود که می‌تواند نشان دهنده روحیه برخورد با متخلفین مالیاتی یا باج‌گیری باشد (همان: ۳۸).

سرانجام ایلی که چراگاه تابستانی‌اش در غرب باغ واقع بود به باغ حمله کرد و آن را به مدت شش هفته به اشغال درآورد. رئیس ایل در عمارت اصلی ساکن شد و یارانش در گوشه و کنار باغ‌های میوه و ساختمان‌های جانبی و در بخشی از باغ به نام «سر مزرعه» چادر زدند تا سرانجام قلع و قمع شدند و سالار توانست به باغ بازگردد (همان: ۳۹). متأسفانه تاریخی از این حمله در نوشته اودانل و دیگر منابع موجود یافت نشده است با این حال شرح اودانل نابودی باغ را پس از این رویداد نشان می‌دهد؛ خرد شدن حباب‌های رنگین چراغ‌های گلخانه در تمرین تیراندازی ایلاتی‌ها، درختان عریان‌شده از میوه و آشفستگی و بی‌نظمی در باغ (همان: ۳۹) همگی توصیف‌هایی از این دست در متن کتاب هستند.

این دوره گستره بیشتری داشته که در تصویر ۱ نشان داده شده است. اودانل گذشته باغ را یک‌راست از باغبان پیر<sup>۱</sup> آن نقل می‌کند که به هنگام حضور او در باغ، زندگی کوتاهی داشته است. سالار جنگ، مستوفی ایالت بود که به جای اقامت در شیراز که رسم معمولی بود تصمیم گرفت در باغ خود زندگی کند. این تصمیم جسورانه و متهورانه نیازمند تدارکات نظامی ویژه‌ای برای رویارویی با تاخت‌وتاز قبایل، ایلات و راهزنان احتمالی بود. از این روی، وی باغ را به پادگانی شخصی بدل نمود، بقایای برج دیده‌بانی افراد پادگان تا سال ۱۳۳۸ هـ ش نیز باقی بوده است. به این ترتیب باغ نه تنها محل زندگی سالار جنگ بلکه مکانی برای انجام کارهای اداری وی نیز بوده است. این موضوع باعث شده است که نخستین خط تلفن در ایالت از باغ به اداره مالیات در شهر کشیده شود (اودانل، ۱۳۸۴: ۳۸). خاطرات باغبان پیر باغ نشان‌دهنده «مهمان‌نوازی پر ریخت‌وپاش»، حضور نوازندگان یهودی و اجرای موسیقی در فصل کاشت و برداشت در باغ است (همان: ۳۸). عمارت مرکزی باغ در این دوران ساخته شده که همچون قلعه سپید چهارگوشی با دیوارهای خشتی مستحکم به پهنای یک متر و نیم



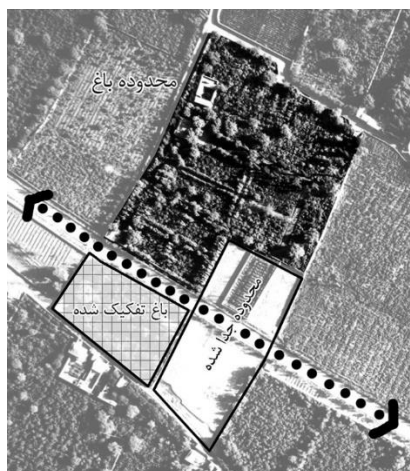
تصویر ۱- گستره احتمالی باغ در دوره قاجار و مکان آن در محدوده روستای قصرالدشت واقع در شمال غرب شیراز (مآخذ: نگارنده)

**ب) پرده دوم: فرسایش**

با توجه به اینکه جلسات شعرخوانی و هم‌نشینی‌های ادبی انجمن تا سال ۱۳۱۴ هـ ش همچنان ادامه داشته می‌توان تصور نمود که تباهی باغ از همین تاریخ و با حمله ایل یاد شده، آغاز گشته و با مرگ سالار در سال ۱۳۲۵ هـ ش شتاب بیشتری یافته باشد. محلی‌ها باور دارند که باغ را دو پسر وی به ارث بردند که از «هنر بی‌بهره، در خوش‌گذرانی زمخت و هرزه و فاقد مال‌اندیشی» (همان: ۳۹) بودند. ولی ضربه نهایی، قتل پسر بچه باغبانی در گوشه «حیات سر مزرعه» در باغ به دست یکی از فرزندان سالار بود که سبب بدنامی باغ گشت و سرانجام مالکیت آن به بازرگانی در شهر منتقل شد. مالک جدید، دگرگونی‌هایی ناچیز در باغ پدید آورد و از آن به‌عنوان ویلای تابستانی خود بهره جست؛ دگرگونی‌هایی مانند ایجاد تعداد بی‌شماری پنجره در عمارت اصلی باغ برای خلق دید مناسب‌تر به فضای بیرونی و منظر طبیعی باغ (همان: ۲۲۱). این اوضاع چه‌بسا تا حدود سال ۱۳۳۸ هـ ش به همین روال ادامه داشته باشد. در این بازه حدوداً بیست‌ساله، باغ هرروز بیش از گذشته بی‌استفاده و متروک می‌ماند به‌اندازه‌ای که در آن

سال بیشتر به «جنگل» (همان: ۳۹) تشابه داشته تا خانه؛ جنگلی با «درختان درهم‌تنیده، پیچک‌ها بر پیکر ساختمان‌ها و آستانه همچون دهانه غار... لانه شغال‌های ساکن در باغ، دیواره‌های بلند پرچین‌ها و فرسایش ساختمان‌ها (سقف فروریخته اصطبل، شیشه‌های شکسته پنجره‌ها و مانند آن)» (همان: ۴۰).

احتمالاً ساخت جاده‌ای در دوره پهلوی اول که چه‌بسا در راستای گذرگاه از پیش موجودی از زمان قاجاریان بوده سبب شد که حدود یک‌چهارم باغ از بخش جنوبی آن حذف گردد (تصویر ۱) و بدین‌سان امکان دسترسی به پیرامون باغ از این گذر نیز فراهم شود. در همین روزگار بخش دیگری از باغ نیز چه‌بسا از آن جدا گشته و به فروش رفته باشد که این محدوده نیز در حدود یک‌چهارم از مساحت بازمانده از باغ است. این استنتاج بر اساس ساختار هندسی باغ و عکس هوایی موجود از آن در سال ۱۳۴۹ و همچنین الگوی تقسیم‌بندی باغ‌های هم‌جوار آن قابل بیان است (تصویر ۲).



تصویر ۲- عکس هوایی محدوده باغ در اواخر سال ۱۳۴۹ خورشیدی (مآخذ: شهرداری شیراز با اصلاحات)



**ج) پرده سوم: بانندگی**

باغ از حدود سال ۱۳۳۸ به اجاره اودانل درمی‌آید. در این روزگار وی به مرمت بنا و ساماندهی باغ می‌پردازد با این هدف که «تا حدودی شبیه روزگاری شده باشد که سالار جنگ در آن خوش و خرم زندگی می‌کرد» (همان: ۴۰). مسیرهای عبوری در باغ از نو شن‌ریزی شدند و درختان میوه، هرس گردیدند و عمارت‌های باغ همگی بازسازی و تعمیر گشتند. این دوران چندان نپائید و کمی بیش از ده سال به درازا کشید. عمده توصیفات باغ از این روزگار است که مبنایی برای بازیابی طرح و منظر باغ می‌باشند و در جای خود خواهند آمد. از این روی از تکرار آن در این بخش خودداری شده است. اهالی بومی محل باغ را «باغ جنگی» می‌خوانند و پرس‌وجو از قدیمی‌های قصرالدشت مکان باغ را همین محل شناسایی می‌نماید که در حال حاضر در امتداد شمال غربی میدان قصرالدشت و روبروی محلی به نام «منبع آب» واقع است. در تصویر ۲ که عکس هوایی باغ را در سال ۱۳۴۹ خورشیدی یعنی هم‌زمان با آخرین سال حضور اودانل در باغ نشان می‌دهد به‌خوبی ساختار باغ دیده می‌شود که مساحتی در حدود ۳۳۰۰۰ مترمربع دارد.

**د) پرده چهارم: نابودی**

در اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی برابر با ۱۳۴۹ هـ.ش، مالک اصلی باغ به سودای خلق «حومه» برای شیراز همچون شهرهای آمریکایی (همان: ۲۳۲) باغ را با ساخت چندین کوچه به نوارهایی بخش نمود که امید داشت آن را به قطعات ۶۰ متر در ۶۰ متر بخش‌بندی نموده و هر یک را جداگانه به فروش رساند (همان: ۲۳۴). «آسفالت و خودرو» دو عنصری بودند که «جلو بودن از زمان خود»

(همان: ۲۳۳) را برای مالک تاجرپیشه باغ به‌مثابه نشانه‌هایی برای پیش‌بینی آینده، موجه می‌ساختند. وی خیابان‌های داخلی باغ را احداث نمود. عکس‌های هوایی و ماهواره‌ای موجود نشان می‌دهند که شبکه معابر جدید بر روی راستای خیابان‌های داخلی باغ ساخته شدند و در تقسیم باغ به قطعات کوچک‌تر تردیدی وجود ندارد. بعد از انقلاب اسلامی به سال ۱۳۵۷ یعنی حدوداً هشت سال پس از بازگشت اودانل به آمریکا و ترک باغ، سرعت تخریب باغ نیز افزایش می‌یابد (جدول ۱). با این حال اندک ساختمان‌هایی از دوره پهلوی در این محدوده باقی‌مانده‌اند و بیشتر بناها نوسازی شده‌اند. افزون بر این به‌جز چند درخت کهنسال چیز چندانی از درختان باغ نیز دیده نمی‌شود. اندک درختان کلیدی به‌جامانده نیز طرح ساماندهی باغ را تا اندازه‌ای نشان می‌دهند.

**۷-۲- منظر پیرامون باغ**

منظر پیرامون باغ در نوشته‌های اودانل و آنچه در بررسی میدانی نیز قابل تأیید است به چند جزء کلیدی قابل تقسیم‌اند. باید توجه داشت که وی مردی کشاورز زاده بود و در اندیشه او زندگی روستایی، شکل اصیل زندگی ایرانی را در برداشت که متشکل از «خدا»، «طبیعت» و «باقی آدم‌ها» (همان: ۵۰) بود. به باور او روستائیان در ایران بیش از آنکه در جوار طبیعت زندگی کنند در درون آن زندگی می‌کردند (همان: ۵۱) که ناشی از نوعی «کیهان‌شناسی» (همان: ۵۶) مذهبی بود. از این روی نگاه وی به محیط پیرامون خود نگرشی مبتنی بر ویژگی‌های منظر محدود باغ است هرچند وی ادعای چنین بینشی را ندارد. اودانل باغ (یا مزرعه) را در نزدیکی روستای قصرالدشت (یا آبادی) و هر دو را در «دل کویر؛ صحرایی واقع بین دو

«صدای آب» شکل می‌گرفت (همان). منظر روستا چهار عنصر برجسته یا تاندازه‌ای دیدنی داشت؛ «آسیاب» (ساختمان کاه‌گلی کوتاه و برج کم ارتفاع و درخت گردوی کهن‌سال مجاور آن)، «درخت حاجت» (چناری با حدود ۲۵ متر ارتفاع و چشمه کوچکی در کنار خود) و «نقش برجسته پادشاه» (در برآمدگی صخره‌ای در میان یکی از بیشه‌های سپیدار) (همان: ۴۵) و مسجد و زیارتگاه (امامزاده‌ای با گنبد مخروطی سپید رنگ با آستانه‌ای از کاشی‌های آبی‌رنگ) (همان: ۱۵۷).

رشته کوه» (همان: ۴۴) توصیف می‌کند. آبادی متشکل از «باغ‌های میوه، تاکستان‌ها و گهگاه کوچه‌باغ‌هایی از درختان سرو و چند بیشه فرح‌انگیز از درختان سپیدار» (همان) است. «موجودیت آبادی مدیون یک قنات بود... که از رشته کوه‌های شمالی شروع و در نزدیکی مزرعه در محلی به نام مقسم به آبگیری به مساحت چهار هزار مترمربع دوباره از زمین به بیرون جاری می‌شد... حدود چهل جوی آب منشعب و به سرتاسر آبادی جاری می‌شد» (همان).

در توصیفات او منظر کوچه‌باغ‌های خاکی «دیوارهای بلند» با «کتیبه سبزی از درختان» و

جدول ۱- چهار دوره در سرگذشت باغ سالار جنگ و شاخص‌های هر دوره (مآخذ: نگارنده)

دوره‌بندی باغ	الف: شکل‌گیری	ب: فرسایش	ج: بالندگی	د: نابودی
بازه تاریخی	تا ۱۳۱۸	۱۳۱۸-۱۳۳۸	۱۳۳۸-۱۳۴۹	۱۳۴۹ تا کنون
توضیحات	هندسه باغ در این دوران در راستای شمال شرق- جنوب غربی گسترش می‌یابد.	در این دوران، حدود یک چهارم از باغ، تفکیک شده و از آن جدا می‌گردد.	با عبور خیابانی از بخش جنوبی باغ، بخش قابل توجهی از باغ تفکیک و از آن مجزا می‌شود.	در این دوران، با تفکیک باغ به قطعات مسکونی، عملاً باغ از میان رفته و به پلاک‌هایی کوچک بخش می‌شود.
مالک	ناصرالدین کوپال شیرازی	ورثه ناصرالدین کوپال / بازرگانی گمنام	بازرگانی گمنام	-
کارکرد	باغ دیوانی- سکونتی	باغ سکونتی	باغ سکونتی- تولیدی	ویلاهای خصوصی
عمارت	دارد	دارد	دارد	ندارد
رویداد شاخص	حمله ایلات و کشیدن خط تلفن به شهر	مرگ ناصرالدین کوپال (۱۳۲۵)	زندگی اودانل در باغ	خلق حومه به شیوه غربی

برابر کوه‌ها به‌مثابه عنصری مردانه، «عبوس، غول‌پیکر و بایر بدون گردی یا برآمدگی یا نرمی، برهنه، سخت و پایدار» بودند به نحوی که کسی در

درک او نگرشی زاینده و مؤنث نسبت به طبیعت، «آب و برگ و شکوفه» و باغ‌های «بیش‌ازحد لذت‌بخش و رخوت‌آور» دارد که در

یک حوض آب کاشی کاری شده، یک اتاق نشیمن تابستانی با بادگیر و یک اتاق خواب (هر دو سپید رنگ با پنجره‌های کرکره‌ای سبزرنگ) (همان: ۴۱) داشته است. یک رشته پلکان سنگی در وسط نمای اصلی عمارت به سرسرای با پنجره‌های قوسی منتهی می‌شد که سرتاسر طول ساختمان را در برمی‌گرفت و در آن سوی سرسرا پس از گذر از یک تاق ضربی، تالار وجود داشت که اتاق بزرگی با سقف بلند با بخاری دیواری در چهارگوشه‌اش بود. اتاق کفی از جنس پارکت سیاه و سپید داشت که کمتر از آن استفاده می‌شد. در گوشه عمارت اتاقی بود که ترکیبی از اتاق مطالعه و کار بود و پنجره‌هایی با مزغل‌های عمیق و چشم‌اندازی دلنواز به باغ داشت (همان: ۴۰).

این تمام تصویری است که می‌توان از کوشک باغ در نوشته‌های اودانل داشت. مکان قرارگیری سایر بناها در متن آورده نشده است. با این حال در جریان نقل داستان‌ها و رویدادها می‌توان فهمید که خانه سرایدار در کنار گلخانه بوده (همان: ۵۴) یا مهتابی، «ایوان کوچک نرده داری در بالای یکی از ساختمان‌های جنبی» (همان: ۴۲) بوده است. تصویری که از سردر باغ (تصویر ۳) آورده شده به متن اصلی کتاب تعلق ندارد و به وسیله مترجم آن از یکی از دوستان اودانل به دست آمده است؛ یعنی درگاه چوبی رفیعی که بر بالای آن خورشیدی نیم‌دایره‌ای شکلی دیده می‌شود که بدون آذین است. گمان می‌رود که در گذشته کاشی کاری مفصلی داشته که از میان رفته است. همچنین ساختار آجرکاری‌های اطراف درگاه همگی نوعی باغ قاجاری را به نمایش می‌گذارند که ازاره‌هایی سنگی و پیلک‌هایی در دو طرف درگاه داشته است. به نظر می‌رسد که دو دیوار منتهی به درگاه در یک راستا نباشند و دو سوی مختلف داشته‌اند

آن زندگی نمی‌کرد. با این حال ستایش‌های وی از رنگ کوها (زرد مایل به قهوه‌ای، گل بهی، ارغوانی و سرمه‌ای) نه تنها حزن‌انگیز نیست بلکه ضمن ستایش آن‌ها در روز و شب به «شیرهای آرمیده در آفتاب» تعبیر شده است (همان: ۴۶). البته نوعی پارادوکس میان «آبادی و باغ‌هایش» و «بیابان و کوه‌هایش» در توصیفات اودانل وجود دارد. افزون بر این، کوه‌ها نقش نوعی مرز نیز داشتند؛ «مرزی بر آسمان و حصار و حفاظی دور آبادی» و همچنین عنصر معنا بخشی بودند که این احساس را به مخاطب می‌بخشیدند که «در نقطه مشخص و معلومی بر سطح کره خاک به سر می‌برد و نه بر لکه‌ای در میان بی‌کرانگی» (همان). به این ترتیب باغ سالار جنگ همچون «یک موجود زنده بود» (همان: ۴۷) که در دل تمایزها و تشابهات زندگی می‌کرد.

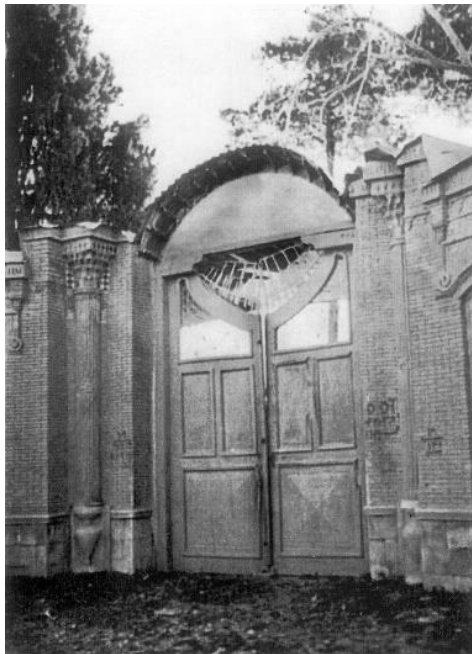
## ۸- یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش در دو بخش قابل ارائه هستند؛ بخش نخست به ساختار باغ و طرح آن می‌پردازد و بخش دوم، فعالیت‌ها و رخداد‌های باغ را عرضه می‌کند که در پیوند با هم کلیت باغ سالار جنگ را می‌ساخته‌اند.

### ۸-۱- ساختار باغ و طرح آن

در متن کتاب به جز دیوار و سردر (تصویر ۳) و دروازه پستی (همان: ۱۶۹)، باغ دارای یک عمارت اصلی (کوشک) و تعدادی بنای جانبی و فرعی نیز بوده است؛ بناهایی مانند اصطبل، گلخانه، خانه سرایدار و خدمتکار، مهتابی و آب‌انبار. از میان همه این بناها، بیشترین توصیف از کوشک باغ صورت گرفته که بنایی دو اشکوبه دارای یک سرداب (زیرزمین) بوده است. سرداب پنجره‌هایی به بیرون،

این فرضیه با زاویه متفاوت دیوارهای ضلع شمال غربی باغ منطبق هستند و می‌توان تصور نمود که در آنگاه اصلی می‌بایست در محل تقاطع آن دو با یکدیگر تعبیه شده باشد.

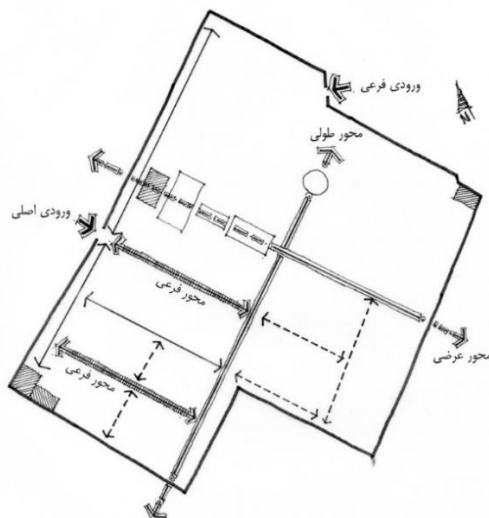


تصویر ۳- عکسی از سردر اصلی باغ سالار جنگ (مآخذ: برگرفته از افزوده مترجم کتاب اودانل، ۱۳۸۴، ۲۴۰)

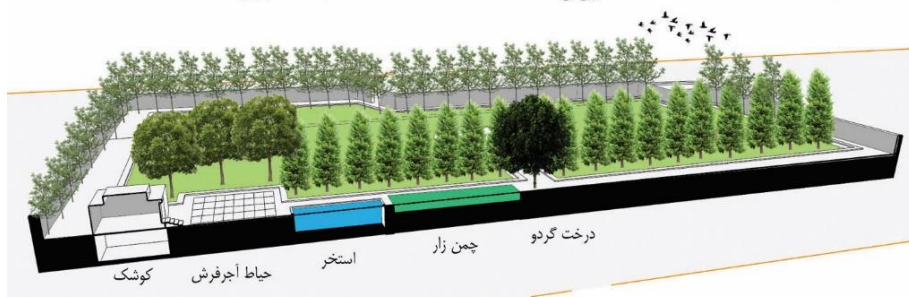
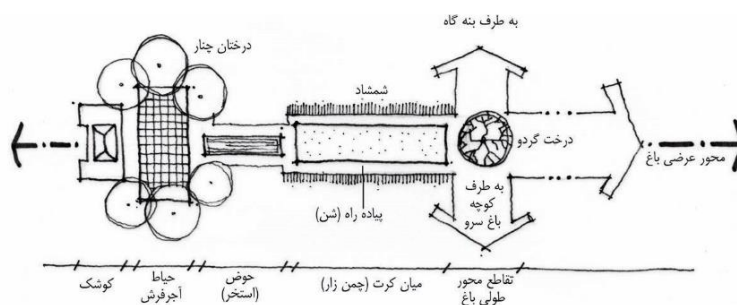
می‌رسید) بوده است (تصویر ۵) و «کوچه باغ» (با درختان سرو کهن سال) (همان: ۴۰ و ۴۱) در انتهای همین مسیر آن را قطع می‌کرد و محور شاخص دوم را عمود بر آن شکل می‌داد. «بنه‌گاه» در شرق این محور و در «وسط باغ میوه شمالی» (همان: ۴۱) واقع بود و سکوی مدور آجری به بلندی شصت سانتی‌متر با درختان چنار در پیرامون آن را تعریف می‌کرد که در اطراف و روی آن شش قطعه سنگ گرانیتی برای نهادن آتشدان‌هایی تعبیه شده بود (همان).

### الف) طرح باغ

طرح باغ آمیزه‌ای از هندسه آشکار باغ‌های رسمی ایرانی و الزامات یک باغ میوه تولیدی است (تصویر ۴). محور شاخص عرضی (شمال غربی- جنوب شرقی) باغ، شاخص‌ترین راستای باغ است که به ترتیب شامل «کوشک»، «حیاط آجر فرش» (به اندازه یک زمین تنیس با شش درخت چنار کهن سال)، «حوض آب» (دراز و افقی)، «چمنزار» (به طول سی متر که در هر دو طرف آن پیاده‌روی شنی و پس از آن با پرچین محصور شده بود که به یک درخت «گردوی» کهن سال، شکل و کامل



تصویر ۴- طرح کلی و شماتیک محورها در باغ سالار جنگ (مآخذ: نگارنده)



تصویر ۵- طرح شماتیک باغ با تأکید بر محور عرضی باغ (مآخذ: نگارنده)

نیز بوده است. گونه‌ای مجموعه تولیدی تا اندازه‌ای خودکفا که فروش محصولات آن امکان پرداخت حقوق و هزینه‌های زندگی را می‌داده و حتی می‌توانسته درآمد بیشتری نیز در پی داشته باشد (همان: ۴۴). به همین سبب باغ دارای دو بخش باارزش کشاورزی- باغبانی (صیفی‌کاری،

### ب) طرح کاشت در باغ

نظم هندسی یادشده مجموعه‌ای از کرت‌ها را به وجود می‌آورد که هر یک برای کاری و به کشت گونه‌ای از فراورده‌ها اختصاص داشتند. اودانل در بیشتر مواقع باغ را مزرعه<sup>۹</sup> می‌نامد؛ به همان مفهومی تولیدی - کشاورزی آن در مغرب زمین که «غرض از آن کسب درآمد» (همان: ۴۲)

(همان: ۱۵۴). دیگر محصول شاخص باغ، بوته‌های نسترن (۱۰ بوته) بود که گل‌های آن برای عرق‌گیری به روستائیان فروخته می‌شدند. صیفی‌کاری در باغ نیز رونق فراوانی داشت؛ کاشت خربزه و سیب‌زمینی دو نمونه مورد اشاره در متن کتاب هستند (همان: ۴۳). دامداری نیز از فعالیت‌های تولیدی در باغ بود. تعدادی گوسفند، مرغ و خروس و قفسی بزرگ پر از کبک، سه عدد سگ و یک مادیان عربی و حتی یک میمون از جمله حیوانات باغ بودند. ولی مهم‌ترین فعالیت دامداری باغ، پرورش زنبور و تهیه عسل بوده که در کندوهای خمره‌ای ساخته شده از گل انجام می‌شد (همان: ۶۶).

گل‌کاری مانند شمعدانی در زیر درختان چنار و دامداری است (تصویر ۶ و ۷). در انتهای کوچه باغ سرو اشاره شده، تاکستان‌های انگور قرار داشتند (همان: ۴۱)، درختان چنار در پیرامون حیاط آجر فرش (محور عرضی) و بنه‌گاه (محور طولی) باغ کاشته شده بودند و باغ‌های میوه در سمت چپ و راست محور طولی (به موازات کوچه باغ سرو) در کرت‌های میانی بودند. بیشترین محصول باغ به ترتیب انار، انگور و گردو (در فصل‌های فراوانی) بوده است و میوه‌هایی مانند سیب، گلابی، آلو، لیمو و آلبالو نیز تنها به مصرف اهل باغ می‌رسیدند (همان: ۴۳). باغ تنها یک درخت توت کهن سال و بزرگ داشت



تصویر ۶- بازیابی طرح شماتیک کاشت و هندسه کلی باغ سالار جنگ (مآخذ: نگارنده)



تصویر ۷- پرسپکتیو دید پرنده از باغ سالار جنگ شیراز (مآخذ: نگارنده)

### ج) آبرسانی به باغ

در گرداگرد بنه گاه، جوی آبی به پهنای شصت سانتی متر بود که از آن آب برای آبیاری باغ (همان: ۴۱ و ۴۲) استفاده می شد. آب می بایست از شمال غربی و در محورهای فرعی باغ بدان وارد شده و پس از گذر از بنه گاه، درون جوی هایی شده که در ادامه راه خود احتمالاً به استخر می رسیده است و سپس سرداب کوشک و حوض کاشی آن را پر می نمودند. بدین سان محور عرضی باغ از آب سیراب می شد. احتمالاً از همین جوی اصلی دیگر انشعابات آب برای تأمین آب کشاورزی و باغبانی در کل باغ و در امتداد محورهای طولی باغ جدا می شدند که جنبه کارکردی آن ها بر نقش زیباشناختی شان برتری داشته است. این شیوه آبیاری بر نظم فضایی و طرح اولیه کاشت منطبق بوده و تغییرات اندکی نیز می بایست برای انطباق با شرایط طبیعی داشته باشد. با این حال سند دیگری برای تکمیل این بحث نمی توان از مستندات اشاره شده در کتاب یا شواهد میدانی به دست آورد.

### د) منظر باغ

چشم انداز اصلی باغ را می توان به خوبی همان توصیف اودانل دانست هنگامی که از عناصر قابل مشاهده باغ از زیر تاق ضربی تالار کوشک در راستای محور عرضی آن به مثابه «قطعه موسیقی دل انگیز و یا قطعه دلکشی از یک کتاب آرامش بخش و نظم و زیبایی پدید آمده در لحظه» (همان: ۴۱) یاد می کند. یا محل قرارگیری آلاچیق و میز سنگ آسیاب قدیمی باغ را در انتهای کوچه باغ سرو به «بهترین چشم انداز باغ انگور تا کوهستان» (همان: ۲۳۴) تعبیر می نماید. گوش دادن به صدای آب در بنه گاه بخشی از منظر صوتی<sup>۱</sup> باغ است که از تفریحات شبانه اهل باغ بوده است. تشبیه باغ به عنوان «پارچه بته جقه ای پر از رنگ های زرد و زنگاری و نارنجی» (همان: ۱۰۶) منظر پائیزی باغ است.

### ۸-۲- رویدادها و فعالیت های جاری

#### در باغ

باغ نه تنها موطن رفتارهای کشاورزی و باغبانی است که محلی برای زندگی روزانه نیز هست. زندگی روزمره اهل باغ و نحوه زیست آن ها در

محور عرضی باغ جایابی شده است. بدین سان از اهمیت و ارزش بصری کوشک کاسته گردیده و ارزش بیشتری به خود باغ داده شده است. این موضوع که می توان ناشی از رشد تدریجی باغ در طول زمان باشد که به نوعی برآمده از آمیختگی دو ساختار باغ های حکومتی و باغ های میوه است. باغ حکومتی - سکونتی با الگوبرداری از باغ های رسمی شیراز به ویژه باغ عفیف آباد، نظمی از عناصر کالبدی و طبیعی را در پی خود قرار داده است (تصویر ۵) در حالی که الگوی باغ میوه با طرح تقسیمات منظم چهاربخشی خود پیش تر در باغ طرح ریزی شده بوده است (تصاویر ۶ و ۷). به این ترتیب می توان نتیجه گرفت که باغ میوه سالار جنگ در دوره شکل گیری خود (قاجاریه) با کارکرد تولیدی چنان طرح ریزی شده که باغ بزرگ و گسترده ای (باغ میوه شمالی) را در جانب یک سوم شمالی باغ قرار داده که با بنه گاه تعریف می شده است و دوسوم به جامانده باغ با تقسیمات هندسی چهار بخش به دیگر درختان متمر اختصاص یافته است. بعدها که لزوم ساخت عمارت در باغ احساس شده است، محور فرعی باغ که حدفاصل باغ میوه شمالی و دیگر بخش های باغ بوده برای این کار مناسب دیده شده و دگرگونی هایی در آن ایجاد شده است.

مقایسه جایگاه کوشک باغ سالار جنگ در هندسه فضایی باغ با دیگر باغ های شیراز تشابهاتی را نشان می دهد (تصویر ۸). ترکیب کوشک + حیاط آجر فرش + حوض + میان کرت (چمن زار) + درختکاری ردیفی منظم در این باغ بسیار مشابه با ترکیب کوشک با باغ در عفیف آباد است. در باغ یاد شده به ترتیب کوشک + حوض + میان کرت (چمن زار) + درختکاری ردیفی قرار دارد. به عبارتی حیاط آجر فرش حذف شده است. شاید

برخورد با طبیعت باغ می تواند علاوه بر معرفی تفریحات و آداب و رسوم عادی مردم زمان خود پدیده باغ را در ادراک ایرانی روشن تر از پیش سازد. از نوازندگی و ریخت و پاش های سالار در روزگار خود گرفته تا زندگی ساده خدمتکاران و کارگران باغ همگی نوعی رفتار محیطی بودند که باغ میزبان آن ها بود. بنه گاه آن چنان که پیش تر آمد، یکی از مکان های حیات شبانه اهل باغ بود که با مشعل های متعدد فروزان می شد. مهمانی وداع با باغ نیز در همان جا برپا شد (همان: ۲۳۷). مهتابی مکان دیگری در زندگی شبانه و البته عاشقانه اهل باغ بود که نه تنها صاحب باغ که تمام اهل روستا را در شب های مهتابی کامل به طبل کوبی وامی داشت (همان: ۴۲). باغ در روز رنگ دیگری داشته است. حوض، قرارگاه بسیاری از رفتارها بوده است؛ خدمتکار باغ کنار سنگفرش استخر (حوض) می نشست و روزها بافندگی می کرد (همان: ۵۴) یا خدمتکاری دیگر سجاده نمازش را در کنار آن می انداخت (همان: ۱۱۰) یا مهمانی (دلچک) با سایه بازی خود، دیگران را سرگرم می نمود (همان: ۱۱۲). در بخشی از باغ تنور نانی برپا شده بود (همان: ۱۰۱) که نان اهل خانه را تهیه می کرد یا آلاچیقی با درختان انگور (همان: ۲۳۴) محل استراحت و تماشای چشم انداز اطراف باغ بود.

### ۸-۳- مقایسه طرح باغ با نمونه های

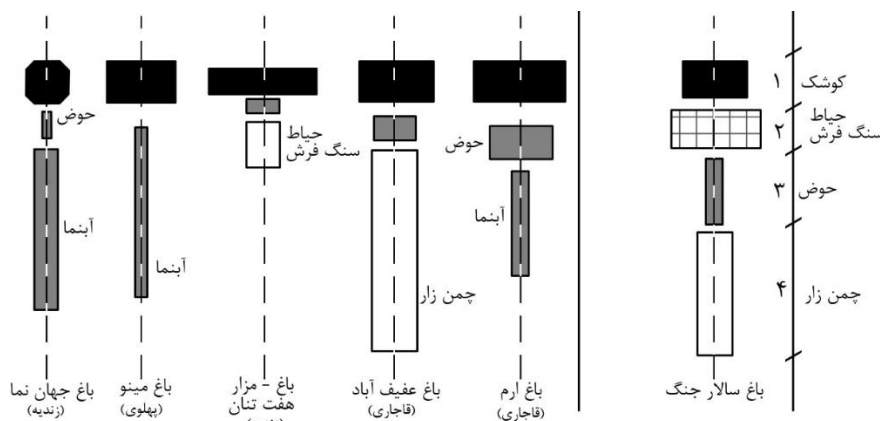
#### مشابه آن در شیراز

محورهای انتظام بخش به باغ سالار جنگ همچون دیگر باغ های ایرانی از دو محور عمود برهم شکل یافته است. با این حال برخلاف رسم معمول که کوشک بر تقاطع دو محور طولی و عرضی باغ آن هم در میانه یا یک سوم شمالی باغ مکان یابی می شده است، کوشک باغ در انتهای



باغ ارزشی به مراتب بیش از حاضر شدن در خانه داشته است. پیوند میان باغ میوه، باغ سکونتگاهی و خانه- باغ با یکدیگر مجموعه پیچیده‌ای از کارکردها و تنوعی از ساختارها را با یکدیگر همسو نموده است و میان آن‌ها تعادل برقرار ساخته است. تعادل نه تنها در الگوهای طراحی و نیازهای کارکردی که در ماهیت پارادوکس گونه باغ نیز متجلی است. تضاد میان مالکین و ساکنین باغ، تضاد میان شخصیت ادبی بنیان‌گذار آن و برخی عادات و خصوصیات او و سرانجام تمایز میان باغ و مزرعه نمونه‌هایی از این دست هستند.

مهم‌ترین علت را باید در نیاز به حضور در فضای باغ دانست که مکانی را برای این کار طلب می‌نمود و حیاط آجر فرش مکان مناسبی بود که جای ایوان را در باغ‌های دیگر گرفته و نبود آن را جبران می‌نمود. انعطاف‌پذیری الگوی باغ ایرانی در این باغ به اندازه‌ای است که می‌توان محور عرضی باغ که با کوشک آغاز می‌شود را نوعی خانه با حیاطی بزرگ تلقی کرد بدین‌سان بی‌راه نیست اگر گفته شود که الگوی دیگری از خانه- باغ در طرح آن لحاظ شده باشد؛ الگویی که به حیاط بیش از خود خانه ارج می‌داده است و حضور در



تصویر ۸- مقایسه هندسه باغ سالار جنگ با باغ‌های مشابه در شیراز (نمونه‌ها فاقد مقیاس هستند ولی تناسبات هر مورد صحیح است) (مآخذ: نگارنده)

شکل سامانه‌ای یکپارچه از زیست اجتماعی، اقتصادی و طبیعی دانست که در سنت دیرپای باغ‌سازی ایرانی بروز می‌یابد. بدین ترتیب این باغ در سنتز میان دوگانگی‌های متعددی به وجود آمد: الف) دوگانگی‌های مفهومی باغ: بنیان‌گذار باغ (ناصرالدین کوپال شیرازی) باینکه مردی اهل فرهنگ بود چه‌بسا برای گردآوری مالیات به باج‌گیری نیز روی می‌آورد. باغ که برای تفریح او سامان یافته بود به پادگانی قابل دفاع تبدیل شد. تعارض میان الزامات زندگی در شهر و حضور در

## ۹- نتیجه‌گیری

باغ سالار جنگ (مینوی سالار) نمونه‌ای از باغ‌های ساخته شده در انتهای دوران قاجار و اوایل پهلوی در شیراز است. باغی در حومه شهر که از مکانی برای تفریح و خوش گذرانی به باغی با ارزش تولیدی تبدیل می‌شود. این باغ تنها مکان کشت و کار نبود چه‌بسا چون قرارگاهی برای تحقق بسیاری رفتارهای عادی و اجتماعی اهل خانه نیز شمرده می‌شد. از این روی آن را می‌بایست به

کرت‌بندی باغ را به مزرعه‌ای بزرگ تبدیل می‌نموده است.

از آنجا که هیچ سند مکتوب دیگری به موازات خاطرات ترنس اودانل برای سنجش و نقد یافته‌های این پژوهش در دسترس نیستند و باغ نیز به طور کامل از میان رفته است، همواره در یافته‌های کنونی می‌توان تردیدهایی داشت. از این روی باید به آن به مثابه گامی نخست در پژوهشی جامع‌تر راجع به باغ سالار جنگنگ نگریست. شایسته است پژوهش‌های بیشتری پیرامون محل کاشت درختان و گیاهان در دیگر باغ‌های مشابه انجام شوند. همچنین پژوهش‌های آینده می‌توانند به نقش زراعت و دامداری در باغ‌های روزگار قاجار و پهلوی نخست متمرکز شوند و در این میان باغ سالار جنگنگ می‌تواند مبنای خوبی برای مطالعات تطبیقی و قیاسی بویژه در منطقه قصرالدشت شیراز انگاشته شود. این نتایج می‌توانند برای تکمیل یافته‌های این نوشتار به کار آیند و مشخص نمایند که تا چه حد شیوه ساماندهی فضایی و هندسی این باغ با نمونه‌های همتراز خود دارای تشابه یا تمایز است.

حومه را با ارتباطات تلفنی که برای نخستین بار به این باغ متصل شدند رفع گردید. و آن‌چنان که اودانل نیز بدان اشاره دارد، بالینکه باغ مفهومی رمانتیک داشت، در عین حال موضوعی واقع‌گرا بود؛ بدین معنا که زیبایی‌شناسی باغ در تعارض با جنبه کارکردی آن قرار نمی‌گرفت.

ب) دوگانگی‌های کارکردی باغ: باغ سالار جنگنگ در طول حیات خود به نمونه تکامل‌یافته‌ای از باغ‌های تولیدی حومه شهری بدل گردید که تا اندازه زیادی خودبسنده بود با این حال به دادوستد با بیرون از خود نیز علاقه داشت. ترکیب الگوهای طراحی باغ حکومتی با باغ میوه و خانه-باغ چینی پیچیده از نیازها و الزامات کارکردی و زیباشناختی هر کدام را طلب می‌نمود که در هندسه باغ با یکدیگر درآمیخته شده و درهم‌تنیده گردیده‌اند. از سوی دیگر این باغ طرح کاشت ویژه خود را داراست که می‌تواند مبنایی برای دیگر پژوهش‌ها باشد. هم‌نشینی گونه‌های مختلف درختان میوه، صیفی‌جات، گل‌کاری‌ها و مواردی از این دست با نظم ردیفی درختان سرو و چنار،

### پی‌نوشت‌ها

- ۱- چشمه جوشک در قصر قمشه و در ۲۴ کیلومتری شمال غرب شیراز پر آب‌ترین چشمه جلگه شیراز بوده است که پس از آنکه با قنات قصر قمشه و چندین قنات دیگر متصل می‌شده، به نهر اعظم تغییر نام داده و از آن‌ها وارد باغات قصرالدشت گشته و از آنجا به سمت بافت قدیمی شیراز روانه می‌شده است (رسولی، ۱۳۸۲: ۶۷).
- ۲- مسجد قصرالدشت (بردی) به استناد کتیبه‌ای از اوزن حسن پادشاه آق‌قیونلو (۸۸۲-۸۷۱ هـ.ق) بر دیوار ایوان آن به قرن نهم هجری تعلق دارد و آرامگاه «مکتبی» شاعر شیرازی و دو نفر دیگر نیز است (خرمایی، ۱۳۸۲: ۱۳۹).
- ۳- این مقاله (Sufis and Mysticism) حاصل تجارب خود از بقعه شاه نعمت‌الله ولی در ماهان بود.
- ۴- برگرفته از مقدمه کتاب باغ سالار جنگنگ نوشته ترنس اودانل (۱۳۸۴)، صص ۱۴-۱۲.
- ۵- حاج میرزا نورالدین هندی، مالک نورآباد توابع، جد مادری ناصرالدین سالار و از ثروتمندان روزگار خویش بود. گفته شده پدرش علی‌خان و مادرش همایون نام داشته است.
- ۶- برگرفته از مقدمه کتاب دیوان اشعار ناصرالدین کوبال شیرازی چاپ ۱۳۵۷ در شیراز.
- ۷- وی همچنین خانه شخصی خود در ارسنجان را نیز به سال ۱۳۱۱ هجری شمسی به دبستان تبدیل نمود.

۸- نام وی در کتاب، «رئیس علی» عنوان شده که دو پسر بچه نیز به عنوان کارگران باغ با وی همکاری داشته‌اند.

9 - Farm

10 - Soundscape

### منابع

- اسپراک من، پال. (۱۳۶۸). نقد و بررسی کتاب: باغ سالار جنگ و اسب خراس. نشریه ایران‌نامه، ۲۸ (۷۱۳-۷۱۸).
- اعتمادی‌پور، مرضیه، بهرامیان، آرمین. (۱۳۹۱). مقایسه تطبیقی باغ‌های تخت شیراز و قصر قجر تهران. دوفصلنامه مطالعات معماری ایران. ۱۱(۱): ۸۵-۹۶.
- اودانل، ترنس. (۱۳۸۴). باغ سالار جنگ؛ خاطرات ایران. ترجمه کمال فهیم. تهران: انتشارات روزبهان.
- آریانپور، علیرضا. (۱۳۶۵). پژوهشی در شناخت باغ‌های ایران و باغ‌های تاریخی شیراز. چاپ اول. تهران: فرهنگسرا.
- آل‌هاشمی، آیدا. (۱۳۹۱). خیابان قزوین: حضور باغ در شهر (بازخوانی خیابان قزوین با تکیه بر اشعار عبدی بیگ و سایر مکتوبات موجود). فصلنامه باغ نظر، ۹(۲۲): ۶۵-۷۴.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم. (۱۳۸۴). باغ سالار جنگ. نشریه بخارا، ۴۳ (۴۲۵ - ۴۲۸).
- بانی‌مسعود، امیر. (۱۳۸۶). بازسازی نقشه باغ شمال تبریز بر اساس اسناد و مدارک تاریخی دوره قاجار، فصلنامه هنرهای زیبا، ۲۹(۲): ۶۹-۷۸.
- بهروزی، علی نقی. (۱۳۵۴). بناهای تاریخی و آثار هنری جلگه شیراز. چ ۲. شیراز: انتشارات اداره کل فرهنگ و هنر استان فارس.
- جمال‌الدین غلامرضا. (۱۳۹۶). تاریخ باغ و باغ‌سازی در ایران؛ تحلیل و بازخوانی باغ و باغ‌سازی به روایت متون و اسناد تاریخی. تهران: نشر روزنه.
- جیحانی، حمیدرضا. (۱۳۹۴). تصویر کاخ و باغ شاه موید در مثنوی ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی. دوفصلنامه مطالعات معماری ایران. ۴(۷): ۷۳-۹۲.
- جیحانی، حمیدرضا، رضائی‌پور، مریم. (۱۳۹۶). منظر باغ؛ سیر تحول نقش هشری و اصول شکل‌گیری. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات و دانشگاه کاشان.
- جیحانی، حمیدرضا، منصور، سمیرا. (۱۳۹۱). بازیابی ساختار فضایی و شکل باغ فردوس شمیران. دوفصلنامه مرمت آثار و بافت‌های تاریخی و فرهنگی. ۳(۳): ۷۹-۹۳.
- حسینی فسایی، حاج میرزا حسن. (۱۳۸۲). فارسنامه ناصری. تصحیح و تحشیه دکتر منصور رستگار فسایی. ج ۲. چ ۳. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- خرمایی، محمد کریم. (۱۳۸۲). شیراز؛ یادگار گذشتگان (راهنمای نقاط دیدنی و آثار باستانی شیراز). چ ۲. شیراز: انتشارات فرهنگ پارس.
- خوانساری، مهدی، مقتدر، محمدرضا، یآوری، مینوش. (۱۳۸۳). باغ ایرانی بازتابی از بهشت. ترجمه مهندسین مشاور آران. تهران: دبیرخانه همایش بین‌المللی باغ ایرانی.
- خوئی، حمیدرضا، گراوندپور، محمدرضا. (۱۳۸۸). معرفی باغ تخت شیراز برپایه اسناد مصور و مکتوب. دوفصلنامه صفا. ۱۸(۴۸): ۳۱-۴۰.
- خوئی، حمیدرضا، گراوندپور، محمدرضا. (۱۳۸۹). شرح باغ تخت شیراز. دوفصلنامه صفا. ۲۰(۵۱): ۲۲-۵.
- دانش‌پژوه، منوچهر. (۱۳۷۷). شیراز. تهران: انتشارات هیرمند.
- رسولی، هوشنگ. (۱۳۸۲). راهنمای جامع شهرهای تاریخی ایران؛ جاذبه‌های فرهنگی، تاریخی و طبیعی استان فارس. موسسه فرهنگی انتشاراتی پارینه.

- زندیه، مهدی، عرب سلغار، ندا. (۱۳۹۱). نظام الگویی باغ تخت شیراز با تکیه بر بازآفرینی تصویر باغ. فصلنامه باغ نظر، ۹(۲۳): ۱۱-۲۰.
- سالنامه معارف فارس. (۱۳۱۴-۱۳۱۵). چاپخانه آفتاب.
- فرصت حسینی شیرازی، محمد نصیر میرزا آقا. (۱۳۷۷). آثار عجم. تصحیح و تحشیه دکتر منصور رستگار فسایی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- قیومی بیدهدی، مهرداد. (۱۳۸۷). باغ‌های خراسان در تاریخ بیهقی. دوفصلنامه صفا، ۱۷(۴۶): ۲۸-۵.
- کمالی سروستانی، کوروش. (۱۳۸۴). دانشنامه آثار تاریخی فارس. شیراز: موسسه فرهنگی و پژوهشی دانشنامه فارس با همکاری سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کشور.
- کوپال شیرازی، ناصرالدین. (۱۳۵۷). دیوان اشعار. شیراز: احتمالاً چاپ لوکس).
- گروت، لیندا، وانگ، دیوید. (۱۳۸۴). روش‌های تحقیق در معماری. ترجمه دکتر علیرضا عینی‌فر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- معین، محمد. (۱۳۹۱). فرهنگ فارسی. ج ۵. تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
- Dumez, H. (2015). What Is a Case, and What Is a Case Study? *BMS: Bulletin of Sociological Methodology / Bulletin de Méthodologie Sociologique*(127), 43-57.
- Francis, M. (2001). A Case Study Method For Landscape Architecture. *Landscape Journal*, 20(1), 15-29.
- Hicks, Bob. (2001). Seeing the extraordinary in the ordinary; "The Stuff of Dreams" Will Premiere at the Portland Art Museum with decorative items from a Paris museum. *The Oregonian*.
- O'Donnell, Terence. (1999). *Seven shades of memory: stories of old Iran*, Washington D.C.: Mage.
- Stake, R. E. (1994). Case Study: Composition and Performance. *Bulletin of the Council for Research in Music Education*(122), 31-44.